



اصطلاحات سنتی ایرانی بخش دوم
استاد: کورش فضائلی
موسسه ایوان خانه معمار



۱. **ایوانچه**: ایوان کوچک. ایوانچه، مفصلی بین فضای بسته اتاق یا حجره، و فضای باز یا حیاط و صحن است
۲. **باجه**: نوعی پنجره. ترکی بمعنی سوراخ و بیشتر بر سقف اطاق اطلاق شود. سوراخ بام بخانه.
۳. **بازارچه**: بازارهای کوچک محلی، بازارگاه: محل اجتماع مردم برای داد و ستد
۴. **بالاخانه**: اطاقی در طبقه دوم عمارت دوطبقه. اطاقی که بر پشت بام سازند. (از آندراج). اطاقی که فوق اطاق دیگر ساخته شده باشد. (فرهنگ نظام). منظر. عمارت فوقانی.
۵. **بالا طاقچه**: طاقچه بالای اتاق
۶. **برزن**: محله اصلی شهر، کوچه و محله
۷. **برزه**: کلیه اعمالی که در تهیه نقشه و ماکت انجام میگرفت
۸. **بشن**: فضای زیر گنبد، دیوار زیر گنبد
۹. **بیرونی خانه**: مهمانخانه
۱۰. **پیشخانه**: بیروم زدگی ستون دار، ایوانچه جلوی حجره*های مدارس
۱۱. **تریشه**: باریکه راههای بین باغچه تهرانی: تالار رو به آفتاب که ارسی و در داشته است
۲۱. **جامخانه**: نورگیرهای شیشه ای حمام*ها

۴۱. چانه : بیرون زدگی پاکار طاق
۵۱. چهارسوق : محل تقاطع دو راسته بازار
۶۱. چپیره : زیرسازی زیر گنبد
۷۱. خانبار : محوطه ای بزرگ در پشت کاروانسراها
۸۱. خفنگ : کتیبه بالای در و پنجره
۹۱. دالان : راهروی پیچ در پیچ
۱۰۲. راسته : راسته ها مسیرها اصلی بازار هستند. " و در معماری سنتی ما به دو صورت شکل یافته اند : " موازی " و یا " متقاطع ".
۱۲. روزن : پنجره بالای در
۲۲. رون : جهت قرار گرفتن بنا
۳۲. زمینه : طرح ، پلان
۴۲. ساباط : دالان ، کوچه سرپوشیده
۵۲. سرداب : شبستان زیرزمینی
۶۲. سردابه : ساختمان سرد
۷۲. سرسایه : محل پوشش دار

۸۲. سه دری: این فضا در واقع یک واحد بنیادین فضای **معماری ایرانی** است که فضاهایی از ایوان تا اطاق و پستو را شکل می‌دهد. در فضاهایی که این تقسیم سه‌تایی بر روی وجه اصلی (رو به حیاط) باشد نام سه‌دری را به خود می‌گیرد که حتماً در صورتی که فضای بسته مورد نظر باشد فضا توسط سه در و پنجره بسته می‌شود.
۹۲. دارافزین: نوعی "تارمی" که جلو اطاق یا ایوان درست کنند "تارمی‌های نخست از چوب بوده، ولی بعدها برای ساختن آنها از فلز هم استفاده می‌کردند".
۱۰۳. در آیگاه: در آیگاه به معنی مدخل و محل ورود است و در معماری سنتی ما بیشتر پیوسته "با واسطه" است و با یاری دالان، هشتی، راهرو و ایوان صورت می‌گیرد و گاهی هم بی واسطه عمل کرده و پس از گذشتن از آستانه در یکسره به فضای دلخواه راه می‌یابد.
۱۱۳. در بند: "در یچه‌ها یا پنجره‌های کوچکی که در زیر سقف برای روشنایی" ساخته می‌شدند. البته در بندها نقشی هم در پالایش هوا داشته‌اند.
۱۲۳. دست انداز: "دیوارهای که به ارتفاع حدود یک متر در دو طرف و در جلوی پل به منظور جلوگیری از سقوط گذرکنندگان به جای تارمی می‌سازند".
۱۳۳. دم چلچله‌ای: گونه‌ای بست فلزی که در دوران باستان تخته‌سنگها را به یکدیگر پیوند می‌زده است. "سنگ چین دیوارهای عظیمی بوده است و اتصالات آن با اتصالات دم چلچله‌ای آهنی صورت گرفته".
۱۴۳. دندان موشی: نوعی آجرچینی به صورت هره چین که در بخش بالای بنا "رخ بام" صورت می‌گیرد و نام دیگر آن "زه و زنجیر" است.
۱۵۳. رباط (رباط): رباط، مهمانسرا و "کارونسرای میان راه" است.
۱۶۳. رخام: "سنگی است آهکی تا حدی شفاف و قابلیت صیقل دار شدن را دارد. از آن سنگ و قبر و لوحه می‌سازند".
۱۷۳. رخبام: "حاشیه واقع در بالاترین قسمت نمای اصلی بنا و لبه بام، جایی که نما سازی به پایان می‌رسد." نمای رخبام یا پایه بام از آجر است.

۸۳. **رزاس**: "نوعی آجر لعابداری دوران هخامنشی" با طراحی های گوناگون.

۹۳. **رسمی بندی**: "قسمت بالای کاربند وزیر گنبد که بر اثر تقاطع چند قوس به وجود آمده و بر روی ترنبه ها و پا باریکها قرار دارد و در حد فاصل طرح هشت ضلعی و پایه مدور گنبد واقع است."

۱۰۴. **رف**: عبارت است از فرو رفتگیها کوچکی که در بالای طاقچه های اصلی می ساختند. گاه داخل آنها را با کمک گچبری و نقاشی و آینه کاری زینت می دادند."

۱۱۴. **رک**: رک به "گنبد های مخروطی گفته می شود که "نوک تیز یا قیفی شکل" هستند. گنبد های رک نخست در شمال ایران ساخته شده و سپس به مرکز ایران انتقال یافته است

۱۲۴. **رگ چین**: ساخت و سازی که به شیوه رج رج صورت می پذیرد، یا به عبارت دیگر "چیدن ساده آجر، سنگ و خشت لایه لایه به روی هم" رگ چین گفته می شود.

۱۳۴. **رواق**: راهرو برخی از بناها در معماری سنتی ما به صورتهای گوناگون جلوه گر شده است. از جمله در راهرو و مدخل سقف دار داخل عمارت.

۱۴۴. **رون**: "جهت قرار گرفتن خانه یا هر بنا" و "یکی از مسایل مهم معماری به شمار می رود" ایم مسایل در ارتباط با "آب و هوا طرز تابش جهت (باد، توفان، گردباد، و غیره) و مکان قرار گیری، جنس زمین و می شده است."

۱۵۴. **ساقه گنبد**: "پایه مدور و استوانه ای زیر گنبد" که به طور معمول نام بنیانگذار و نام سازنده آن و تاریخ ساختمان بر آن نوشته است.

۱۶۴. **ستاوند**: ستاوند به "چهل ستونهایی که در سه طرف دیوار ندارند گفته شده است. این چهل ستونها، دارای ستونهای چوبی هستند و به نظر می رسد پارسها آن را از مادها گرفته باشند.

۱۷۴. **سکتی**: "بنایی را گویند که چهار دیوار آن از چوبهای قطور بلند ساخته شده است." این گونه بنا بیشتر مصالح آن منشا گیاهی و چوبی دارد و خاص کرانه های دریای خزر و ناحیه پر باران شمال ایران است.

۸۴. **سوسنی**: نوعی " پنجره ناوی شکل " است . همچنین سوسنی " پاباریک لوزی گونه ای کاربند زیر گنبد است که دو ضلع پایین آن باندتر از دو ضلع بالا باشد مانند گلبرگ سوسن ."
۹۴. **سیمگل**: " ملاطی از ماسه و گل رس و اندکی گچ نیمکوب " البته در این ملاط کاه هم می ریزند و برای عمل آوردن آن خاک و کاه را می شویند . سیمگل را در نمای بنا به کار می برند .
۱۰۵. **شبستان**: فضایی بزرگ و سر پوشیده است که برای ساختن آن غالبا از شماری ستون یا جرزها استفاده می شود . سطح بزرگ سقف به بخش کوچکتر تقسیم شود
۱۱۵. **صحن**: حیاط بزرگ و چهار گوش امام زاده ها ، مسجد ، زیارتگاه ها و به این گونه از حیاطها از این جهت صحن گفته شده که در واقع نوعی میدان هستند ، می دانیم میدانهای ایرانی به جای گرده دایره چهار گوش بوده اند .
۱۲۵. **صفحه**: کاربرد "صفحه" به جای "تراس" درست نیست زیرا "صفحه" عربی شده "چفته" فارسی است و چفته بنایی است که دارای طاق خمیده باشد در حالی که ساختمان های دارای تراس دارای هیچ گونه طاقی نیستند
۱۳۵. **ضریح**: پوشینه ای است که پیکره امامان ، امام زاده ها و پیران را در خود نگه می دارد ضریحهای دارای صندوقی مشبک هستند و آنها را قفل می کنند
۱۴۵. **ارسی**: گشتاده و باز، پنجره های مشبک در ساختمان، پنجره هایی که در دو طرف چهارچوب دارای کشویی هستند و از بالا به پایین به بالعکس حرکت می کنند و اغلب با آلت سازی و شیشه های رنگی تزئین می شود. ارسی پنجره مشبکی است که بجای گشتن بر روی پاشنه گر بالا می رود و در محفظه ای که روی آن قرار گرفته جای می گیرد.
۱۵۵. **اندرونی**: داخلی، میانی، بخش داخلی خانه، حریم زندگی خانوادگی در خانه، میانه محفوظ خانه از نگاه و دسترس دیگران، اندرونی با سلسله مراتبی از بیرونی و ورودی جدا می شود. در مقابل بیرونی
۱۶۵. **طاق**: سقف منحنی، سقف قوسی، پوشش انحناداری، که بین دو دیوار موازی اجرا می شود و از نظر شکل حاصل حرکت یک قوس در امتداد خطی عمود بر سطح قوس می باشد

۷۵. **طُرّه:** یک تیر افقی که یک سرش بر پایه و سر دیگر در بیرون از بدنه بنا نشسته باشد. قسمتی که از لبه دیوار بالای پنجره پیش می آید، باران گیر، آفتاب گیر، کنسول، چوبی، پیش آمدگی سقف، رخابام
۸۵. **جلوخان:** فضایی وسیع و بزرگ در جلوی پیش اتاق و ورودی بعضی از بناهای بزرگ و مهم مثل مساجد که باعث شاخص شدن بنا ، القاء شکوه و عظمت ورودی می شود . ممکن است دکان ها و فضاهای خدماتی دیگری نیز در اطراف جلوخان ساخته شود
۹۵. **قوس:** کمانی از دایره، دور، انحناء طاق، طاق چشمه، طاق روحی، یکی از انواع مقرنس ، صومعه و ترسایان
۱۰۶. **آژند:** ملات خمیری است که فاصله میان مصالح را پر کرده، قطعات مختلف را به هم می چسباند.(گلی باشد که بر روی خشت پهن کنند
۱۱۶. **آمود:** آرایشی که پس از پایانکار ساختمان بر آن بیفزایند.تزیین الحاقی، نماسازی سنگی، آجری، کاشیکاری و گچ بری
۱۲۶. **آهیانه:** به معنی جمجمه- در گنبدهای دو پوسته، پوسته زیرین را می گویند
۱۳۶. **اِسپر:** دیوار جدا کننده- دیوارهایی که میان دو پایه باربر می سازند.بخشی از نمای ساختمان که در و پنجره نداشته باشد
۱۴۶. **بستو:** نوعی قوس بیضی شکل است که در ساخت گنبد استفاده می شود و نسبت فاصله کانونی به دهانه ۴ به ۳ است
۱۵۶. **پرچفت:** تضاد،تنوع، کاری که برای بر هم زدن قرینه و یکنواختی در ساختمان انجام می دهند
۱۶۶. **تابش بند:** تیغه های نازکی که جهت جلوگیری از تابش مستقیم آفتاب در جلوی اتاقها قرار گرفته است
۱۷۶. **معلی:** گره سازی مختلط کاشی و آجر. کاشی های رنگی و آجرها که زاویه آن تقریبا عمودی است
۱۸۶. **هشتی:** تنها جای که از محیط بسته خانه بیرون می آمده و ارتباط با خارج داشت.جهت ایجاد مکث،تقسیم و فضایی جهت انتظار.(هشت به معنی برجسته است
۱۹۶. **هشت و گیر:** نوعی گره سازی تزیینی، برجسته و فرورفته
۲۰۷. **هلوچین:** تاب،سهمی،قوس نیم تخم مرغی(نیم بیضی) شکل،نوع معمول چفت در شمال ایران.طاق باربر